

پیشگامان، عادات دینی
تاریخ و عادات
تاجیکستان

● کتابها و نشریاتی از تاجیکستان (۸) / مسعود عرفانیان

کتابها و نشریاتی از تاجیکستان (۸)

مسعود عرفانیان

۳۹

- مهرنامه
- جشن نامه هفتادسالگی استاد محمدجان شکوری
- تهیه و تنظیم: ولی صمد
- برگردان به فارسی: عبدالرحیم بهروزیان
- ناشر: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان
- چاپ اول: ۱۳۸۵ / تیراژ: ۵۰۰ نسخه / ۳۹۲ صفحه

۲۸۷

استاد محمدجان شکوری چهره سرشناس و پرآوازه زبان و ادبیات فارس - تاجیک، پژوهشگر و ادیب پرکار و خستگی ناپذیر را بسیاری از ایرانیان فرهنگ دوست و اهل قلم می‌شناسند و از ژرفای مهر او به فرهنگ و زبان دیرپا و کهن مادری خویش آگه‌اند. او یک دوستدار و خدمتگزار راستین زبان و ادبیات پارسی است که سرتاسر عمر پربار خویش را وقف پژوهش پیرامون شناساندن هرچه بیشتر و بهتر زبان، فرهنگ و تمدن ایرانی نموده است.

مجموعه حاضر در بردارنده ۱۷ مقاله و چند شعر از دوستداران محمدجان شکوری است که زحمات چند ده ساله او را بدینوسیله و با اهداء این آثار، در این مجموعه پاس داشته‌اند. مجموعه با پیشگفتاری از رایزن فرهنگی سفارت ایران در تاجیکستان، قهرمان سلیمانی آغاز شده و سپس با زندگی خود نوشت محمدجان شکوری و دیگر مقالات که عنوان و نام نویسندگان برخی از آن‌ها در زیر خواهد آمد، ادامه یافته است:

«روشنفکر ملی و فرهنگ ملی» حاجی اکبر توره جان زاده / «دانشمند با عقل همیشه جوان و جویا» عبدالنبی ستارزاده / «زبان فارسی و مسئله ملت سازی در تاجیکستان» قهرمان سلیمانی / «زبان ملی و امکانات فکری» خدایی شریف اف / «ارزش داستان سیاوش در آذربایجان» ولی صمد / «فردوسی و پیوندهای ادبی تاجیک و آلمانی» زهرا غلام اوا / «درآمدی بر کلیات عجزی»

خالق میرزاده / «ورودی به حریم سخن و سخن وری» عبدالمنان نصرالدین خجندی / «روزگار و آثار سعدی شیرازی در پژوهش خالق میرزاده» اعظم یزدانفر و...
در پایان کتاب اشعاری از شاعران نامدار تاجیک چون عسگر حکیم، لایق شیرعلی، فرزانه خجندی، کیلد کیلدی، عبدالسمیع قدسی، رحمت نذری و (پریسا) و... که برای شکورزاده سروده شده به چاپ رسیده است.

در چند شعر از این اشعار، سرایندگان با اشاره به زادگاه محمدجان شکوری یعنی بخارا که یکی از بزرگترین مراکز فرهنگ و تمدن ایرانی است، اندوه و آه سرد خود را از جدایی بخارای شریف و سمرقند از پیکر اصلی خویش بیان داشته‌اند:
رحمت نذری:

«مرزبندی سرخ شورایی

چاک زد میهن اهورایی

اشک تاجیک تاکنون دارد

از بخارا بخار خارایی»

...

پریسا:

...

«بگو ای دوست؛

خراسان بی سمرقند و بخارا چیست؟

تو گویی در میان سمرقندمان ریگستان نیست

بخارای شریف از مرقد سامانیان عاری است

و این کاشانه فرهنگ ناتکرار

بدون رودکی و دانش و سینا

و عینی و شکوری همچنان خالی است»

در پایان کتاب تصاویری از دوره‌های مختلف زندگی استاد شکوری نیز به چاپ رسیده که متأسفانه از کیفیت خوبی برخوردار نیست.

جا داشت ناشر کتاب که رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان است از دوستان و همکاران ایرانی استاد محمدجان شکوری در فرهنگستان زبان و ادب فارسی که استاد گرانقدر عضو پیوسته آنجا هستند نیز دعوت می‌شد تا مقالاتی را جهت چاپ در این مجموعه ارایه می‌نمودند.

کتاب با القبای نیاکان به چاپ رسیده، اما از اشتباهات و غلط‌های چاپی و ویرایشی نیز به دوره نمائنده مانند: «عسر» به جای عصر، ص ۱۷۳ / «شهنمه» به جای شاهنامه، ص ۱۷۳ / «سچلمشیک» به جای سچلمیش، ص ۱۷۲ / «اذیریجن» به جای آذربایجان، ص ۱۷۲ / «بکو» به جای باکو، ص ۱۷۲ / «انی مجموعه» به جای ینی مجموعه، ص ۲۳۸ ...

۴۰

● رویش از سکوت

● دارا نجات

● ناشر: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان

● چاپ اول: ۱۳۸۵ دوشنبه / شمارگان: ۵۰۰ نسخه / ۲۹۰ صفحه

دارا نجات شاعر تاجیکستانی زاده شده سال ۱۹۴۶ در دیار باستانی سفد (خجند)، یکی از نخستین پیشگامان شعر سپید تاجیکستان است. او از سال ۱۹۸۶، یعنی متجاوز از ۲۰ سال است که عضو اتحادیه نویسندگان تاجیکستان است و سال ۱۹۹۹ در بخش شعر، جایزه ادبی میرزا تورسون زاده را دریافت نمود. از دارا نجات تاکنون چندین مجموعه شعر به چاپ رسیده است: «صاحب کوهسار» ۱۹۷۹، «شبیم» ۱۹۸۳، «درو» ۱۹۸۶، «خرمن مهتاب» ۱۹۸۹، «طلوع در غروب» ۱۹۹۸ ... او همچنین در زمینه تحقیق و پژوهش نیز دست دارد و تاکنون دو اثر پژوهشی از او به چاپ رسیده است.

این کتاب گزیده‌ای است از سروده‌های دارا نجات که تعدادی از شعرهای نو (سپید و نیمایی) و شعرهای شیوه کهن او را در بر گرفته است. بخش‌هایی از یک سروده او را می‌خوانیم:

«آریانا!

ای تهرانگِ ناب آسمان تمدن

درود، مرتو را و درخش کیگاہ تو را

...

آریانا!

ای عقیق رخشان رواق عقیق!

زبرجد کاخ استدمند فرهنگ

درود

...

آریانا!

ای رادمنش!

ای داشتار داد و دهش

و چراغ دانش

درود

مر بخردی تو را،

«چه هر که اش خرد است»*

هنر دارد.

آریانا

ای تناور درخت

در گذار تفیاد ازدهای مقدونی،

دیو باد غول مغول،

سموم اشتمل تیمور چفتای»

...

چند نمونه هم از دو بیتی های دارا نجات:

۲۹۰

وطن در جاهلی دانایی ماست

«وطن در مفلسی دارایی ماست

وطن در کوری ها بینایی ماست»

وطن در بی سری ها سرپرستی ست

سراندازت ز تور رشته باران

«تو امشب آمدی با نوبهاران

تو را با پرنیان آبشاران»

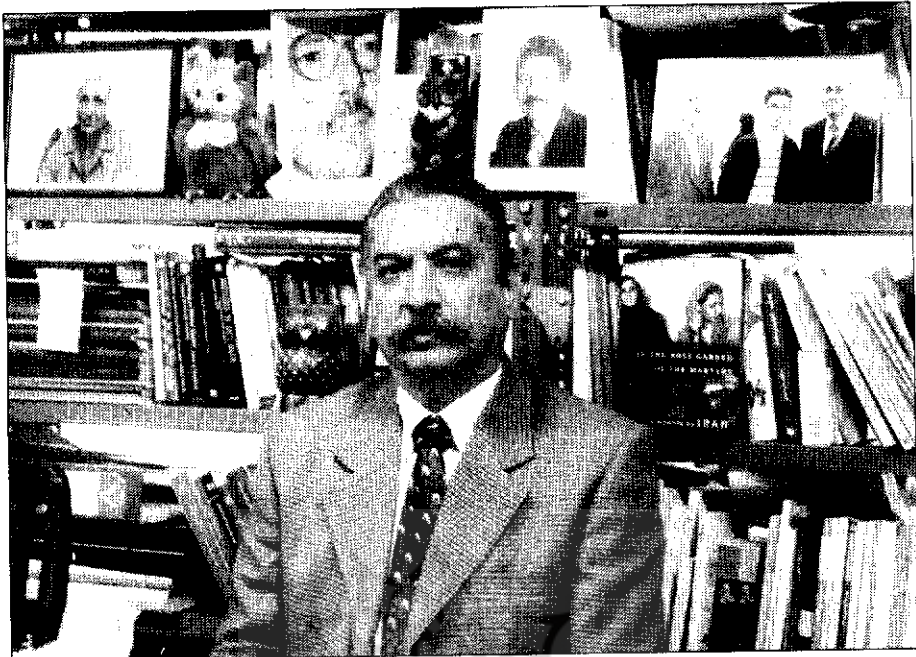
خدایت نازنین تر کرد امشب

چو زر از دامن گردون بریزد

«شفق بر دامن هامون بریزد

چو خون از دیده مجنون بریزد»

شفق در دیدگان لیلی ما



۲۹۱

● مسعود عرفانیان

«کهکشان هاست در ولایت جان»

شرح حال و تحلیل اشعار

صوفی عشق‌ری

کهکشان

مجموعه‌یی از اشعار

نویسنده: نیلاب رحیمی

سال طبع ۱۳۸۰ ه.ش

پوهاند دوکتور محمد حسین «بیمین»

زمستان ۱۳۸۳ خورشیدی

● سنگ الماس من

● عسگر حکیم

● دوشنبه ۲۰۰۶، انتشارات ادیب، ۳۳۲ صفحه

عسگر حکیم شاعر، منتقد و ادیب سرشناس تاجیکستان به سال ۱۹۴۶ در زادگاهش «رومان» از روستاهای استان خجند چشم به جهان گشود. او میان سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ معاون سردبیر مجلهٔ وزین «صدای شرق» و از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ نیز سردبیر روزنامهٔ مدنیت تاجیکستان (ادبیات و صنعت کنونی) بود. از سال ۱۹۹۱ هم به ریاست کانون نویسندگان تاجیکستان انتخاب شد. او برخی از آثار ادبی روسی و ایتالیایی را به فارسی تاجیکی برگردانده و نویسنده و سرایندهٔ آثار بسیاری است.

کتاب حاضر منتخب اشعار این شاعر بلندآوازهٔ تاجیک است که اخیراً و در آبان ماه سال روان (سال جاری) به همراه گروهی از ادیبان تاجیک به مناسبت گرامیداشت هشتصدمین زادروز مولانا جلال الدین محمد بلخی به ایران سفر کرده بود.

کتاب با مقدمه‌ای از رسول حمزه توف تحت عنوان: «مصراع‌های پر الهام شاعر» شروع می‌شود و پس از آن شعرهای عسگر حکیم که هم به شیوهٔ کهن و هم نو سروده و در قالب‌های مختلف غزل، قصیده و رباعی است آغاز می‌شود. درونمایه و بن مایهٔ اصلی شعر عسگر حکیم را فرهنگ، سنن و آداب مردم تاجیکستان، میهن دوستی و طبیعت تشکیل می‌دهد.

نمونه‌هایی از شعر او را مرور می‌نمائیم:

پرتال جامع علوم انسانی

اعجاز بهار

«ابر می‌گیرد و می‌خندد گل

می‌سراید غزل خود بلبل

می‌که از شیشه برون می‌ریزد

می‌کند وصف لبانش گل - گل

در چنین لحظهٔ اعجاز بهار

شکوه بگذار بکش ناز نگار

می و مطرب که به کار آغازد

کار دنیا همه گردد بی کار»

زبان تاجیکی

«نیست اسمی جاودان و نیست جسمی جاودان،

زیر گردون با نشان و بی نشان میرنده است.

گر نیابد نسل انسان جان جاوید از سخن،

این تن و توش امانت بی امان میرنده است.

چون مرا هم چاره از مردن نبود و نیست، نیست،

می‌کنم جان را فدا بر جان جاوید سخن

تا زبان مادریم با نشان و زنده است،

نیست باک از بی نشانی هزاران همچو من.

...

زین سبب گر دشمنی را مقصد مردم کشیت،

می‌کشد او جمله فرزند زبان دان و را.

خلق بی فرزند گویا توده گنگ و کر است،

می‌دهد فرد زبان دانش زبان جان و را.

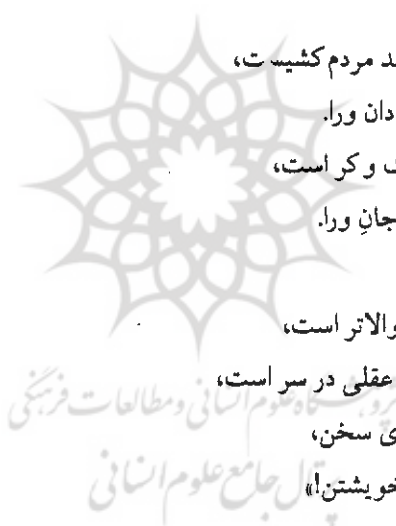
...

من نمی‌دانم کدام از پیشه‌ها والاتر است،

لیک می‌دانم، هر انسان را که عقلی در سر است،

گر نهد خشتی به دیوار بلندای سخن،

می‌فرازد قامت هفتاد پشت خویشتر!»



بخش پایانی کتاب مقاله‌ای است از علیرضا قزوه به نام «عسگر حکیم غزلسرای متفاوت».

این مقاله که از سوی این شاعر و پژوهشگر ایرانی، پیرامون غزل‌های عسگر حکیم به نگارش

درآمده، در شماره چهارم، ۲۷ ژانویه ۲۰۰۵ هفته نامه «ادبیات و صنعت» تاجیکستان به چاپ

رسیده، که عیناً به انتهای این کتاب افزوده شده است.

- غروب جلال
- دکتر سیمین دانشور
- با مقدمه، توضیحات و برگردان دل افروز اکرامی*
- زیر نظر دکتر مسعود قاسمی
- دو شنبه ۲۰۰۷ / ۴۰ صفحه

«دانشور نویسنده دردهای ناگفته زنان ایرانی است. وی در توصیف دنیای ذهنی و عینی زنان نویسنده‌ای موفق است. اغلب داستان‌های دانشور رنگ ملی، سنتی و دینی دارد که از اشارات سیاسی تاریخ معاصر خالی نیستند. نثر ادبی و زیبا، توصیفات دقیق و رسا و پرداخت مناسب چهره‌ها از ویژگی‌های داستانهای خانم دانشور است. در یک کلام لقب بانوی داستان نویسی ایران برآورنده اوست.»

عبارات بالا بخشی از بیوگرافی سیمین دانشور نویسنده سرشناس میهنمان است که در این کتاب به چاپ رسیده است. پس از آن پیشگفتاری از دل افروز اکرامی، برگرداننده کتاب از الفبای نیاکان به سیریلیک به چاپ رسیده است. بانو اکرامی پیش از این با تحمل رنج فراوان و صرف وقت بسیار، رمان «سووشون» دانشور را به الفبای سیریلیک برگردانده و در سال ۲۰۰۶ در شهر دوشنبه منتشر کرده است.

در این کتاب نیز دو یادداشت از دانشور درباره جلال آل احمد به نام‌های «شوهرم جلال» و «غروب جلال» که اولی در ۱۳۴۰ و دومی در ۱۳۶۱ نوشته شده به الفبای سیریلیک برگردانده و چاپ شده است.

خانم اکرامی در ادامه پیشگفتار نوشته: «اینک ما این دو اثر را نیز به تاجیکی برگرداندیم تا خواننده تاجیک شخصیت فوق العاده سیمین دانشور را که تا امروز به سوگواری همسر محبوبش اشک می‌ریزد ببیند.» به نوشته خانم اکرامی در پایان پیشگفتار، قهرمان سلیمانی، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان به چاپ این کتاب یاری رسانده است.

* - لازم به یادآوری است که بانو دل افروز اکرامی، همسر استاد گرانقدر محمد جان شکوری بخارایی هستند.

Мушкилоти

Доктор Симини Дошшвар

забони

Ғуруби

Ҷалол

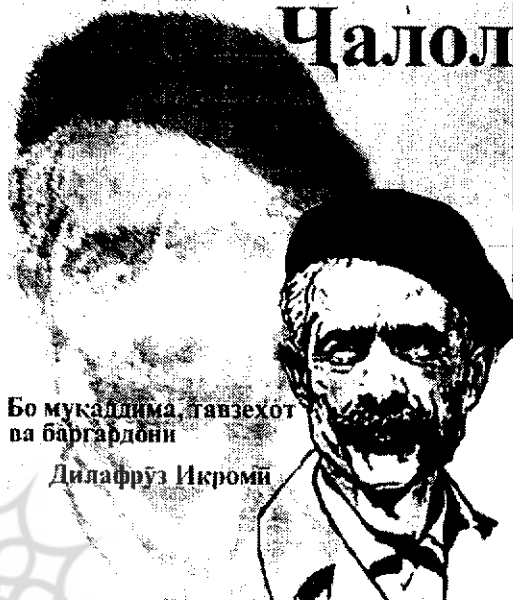
Маҷмӯаи мақолаҳо

ИЛМ



Бо муқаддима, тавзеҳот
ва баргардонӣ

Дилафрӯз Икромӣ



Мирзоҳасани Султон

۲۹۵

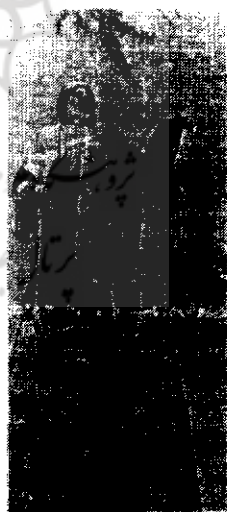


Меҳрнома

Ҷашнномаи 80 солагии
устод Муҳаммадҷон Шақури



مطالعات
انسانی و
علوم انسانی



ИСОМИДДИН
САЛОҲИДДИНОВ



**ГУНБАДИ ЧАРХ
АЗ СУХАНАШ
ПҶРСАДОСТ**



- نقش ایرانیان - تاجیکان در تاریخ و فرهنگ جهان
- حق نظر نظروف
- ناشر: پژوهشگاه فرهنگ فارسی - تاجیکی
- دوشنبه ۲۰۰۵ / شمارگان ۵۰۰ نسخه / ۴۹۲ صفحه

افسوس و دریغ که عمر پزیرار زنده یاد حق نظر نظروف، سالی بیش، پس از انتشار این کتاب نپائید و او با همه عشق و مهر ژرفی که به میهنش تاجیکستان و سرزمین اهورایی نیاکانش ایران داشت، رخ در نقاب خاک کشید و ایرانیان و تاجیکان یک دوستدار حقیقی فرهنگ و تمدن ایرانی را از دست دادند. او یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران و تاریخدانان تاجیک بود که سال‌های بسیاری از زندگی‌اش را صرف شناساندن فرهنگ و تمدن ایرانیان و تاجیکان نمود و در دفاع از میراث مشترک این دو مردم هم ریشه کوشش‌ها نمود. یادش گرامی باد.

کتاب در سه فصل و یک پیشگفتار تدوین شده است. سرسختی از ناصر سمرمدی پارسا سفیر کبیر ایران در تاجیکستان هم در ابتدای کتاب به چاپ رسیده است. سپس پیشگفتار با این شعر نظامی که نویسنده بر پیشانی صفحه نشانده آغاز می‌گردد:

۲۹۶

نیست گویند ز این قیاس خجل
دل ز من به بود یقین باشد

«همه عالم تن است و ایران دل
چونکه ایران دل زمین باشد

فصل نخست کتاب که «ایران زمین در عهد باستان» نام دارد با نگاهی به ایران در آغاز تاریخ و عهد اوستا و هخامنشیان شروع می‌شود و با بررسی دستاوردهای فرهنگی ایرانیان در جهان باستان و مروری بر توران و پارت‌ها و کوشانیان ادامه می‌یابد و سرانجام با نظری به پیشرفت‌های اقتصادی و فرهنگی ساسانیان به پایان می‌رسد. در پایان این فصل چکیده‌ای از آنچه نوشته شده ارائه گردیده است.

فصل دوم «نقش ایرانیان - تاجیکان در رشد و انکشاف تاریخ و فرهنگ عصرهای میانه» نام گرفته. این فصل با چیرگی اعراب و گسترش اسلام، مقاومت ایرانیان و تاجیکان آغاز شده و با بررسی نقش ایرانیان در تحولات بزرگ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام، تاسیس دولت‌های ملی ایرانیان پس از چیرگی اعراب، دولت سامانیان رشد و نمو علم و معرفت ایرانی در سده‌های نخست اسلام، سهم ایران در پیشرفت علوم فیزیکی و شیمیایی و تاریخنگاری جهانی، گسترش فلسفه، تصوف و عرفان و انجمن‌های علمی ادامه می‌یابد.

فصل سوم که نویسنده نام «تنزل و انقراض تاریخ و فرهنگ ایرانیان در قرون وسطا، احیا و تجدد آن در دوران ما» بر آن نهاده، با بررسی عوامل و علل عمده تنزل ایران زمین آغاز می‌گردد و در ادامه با مروری بر تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عهد صفویه، نفوذ و گسترش فرهنگ ایرانی در آسیای خرد (صغیر)، نقش فرهنگ ایران و اسلام در تاریخ چین، نفوذ و گسترش فرهنگ ایران در هندوستان، احیا و تجدد تاریخ و فرهنگ ایرانیان در زیر تأثیر تمدن غرب پیگیری شده است. قسمت پایانی این فصل به بررسی انقلاب ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی و رشد اسلام در ایران می‌پردازد. چکیده‌ای از مطالب فصل نیز ارائه شده است.

نویسنده در تألیف این کتاب از ۱۵۶ اثر به زبان‌های روسی و فارسی (هم الفبای نیاکان و هم الفبای سیریلیک)، به عنوان منابع و مأخذ کار خویش سود جسته است که با مروری بر فهرست این آثار نام تعداد زیادی مأخذ ایرانی به چشم می‌خورد.

کتاب با الفبای سیریلیک به چاپ رسیده، اما در انتهای آن خلاصه‌ای از مطالب کتاب به الفبای فارسی چاپ شده است. لیتوگرافی، چاپ و صحافی این کتاب در چاپخانه پیوند انجام گرفته است.

- گنبد چرخ از سخشن پرصداست
- عصام الدین صلاح الدینوف
- دوشنبه ۲۰۰۲ / نشر «ادیب» / شمارگان ۵۰۰ نسخه / ۱۰۴ صفحه

پیشتر در معرفی برخی کتاب‌های چاپ شده در تاجیکستان که پیرامون رودکی و شعر اوست از جایگاه والای رودکی و رودکی‌شناسی در تاجیکستان نوشته بودیم. اما تأکید و تعمق بر روی عباراتی که از صفحه معرفی کتاب که ناشر آن را نوشته، اهمیت بسیار زیاد و احترام ژرف تاجیکان را نسبت به این شاعر پارسی گو می‌رساند:

«رساله‌ای که تألیف شد، نه از معرفت رودکی‌شناسی ماست، بلکه تحریکی است از روح پاک حضرت رودکی نسبت به یک تن از نبیرگان اعتقادمند او که روی خاک زادبوم او کودکانه دویده است و حریصانه شکوفه هایش را بوئیده است، از خنده لاله به شوق آمده است و از گریه ابر به اندیشه رفته است و از باد بخارا عطر وطن شمیده و از تنگنای کوهستان به پهنه جهان برآمده، با اشعار ناب آدم الشعرا سیر اقصای عالم کرده است...»

افزون بر این از سال ۲۰۰۱ به تصویب رسیده که همه ساله روز ۲۲ سپتامبر به عنوان روز

رودکی شناخته شده است.

پس از آن مطلب کوتاهی از عبدالقادر منیازوف، عضو وابستهٔ آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان تحت عنوان: «سخنی تازه در شناخت استاد «رودکی» به چاپ رسیده است. کتاب دربارهٔ جایگاه شعر رودکی و شهرت و اعتبار شعر او و تأثیرش بر شعرای بعدی است. در کتاب آراء و عقاید بسیاری از شعرا و پژوهشگران ایرانی و تاجیکی از گذشته‌های دور تا دوران ما که در این زمینه آثاری از خود بر جای نهاده‌اند بررسی شده است. کسانی چون: فردوسی، ناصر خسرو، شهریار، سعید نفیسی، عبدالحسین زرینکوب، محمود افشار، ساتم الخ زاده، محمدجان شکوری بخارایی، احرار مختاروف و دیگران. در کتاب به صلح دوستی و وطن پرستی ایرانیان و تاجیکان هم اشاره شده و به همین مناسبت به گفته‌هایی از زرتشت پیامبر، سید محمد خاتمی (رئیس جمهور پیشین ایران و مبتکر طرح گفتگوی تمدنها) و امامعلی رحمانوف در این باره استناد شده است.

۴۵

● صدای شرق

● شماره ۳، ۲۰۰۷ / ۱۴۴ صفحه

۲۹۸

بر روی جلد این شماره از صدای شرق این بیت از یک غزل حافظ نقش بسته:

«ز کوی یسار می‌آید نسیم باد نوروزی

از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی»

که نشان از فرا رسیدن آئین کهن سال ایرانیان - نوروز - دارد.

مطالب این شماره از صدای شرق با شعری از مؤمن قناعت، شاعر سرشناس تاجیک با نام «مسعود نامه» آغاز می‌گردد که در رثای احمد شاه مسعود، مبارز بزرگ افغان که به دست دژخیمان تاریک دل و تبه کار طالبان به شهادت رسید، سروده شده است. مؤمن قناعت دربارهٔ این شعر گفته: «من کوشیدم جنبه‌های انسانی و قهرمانی او را شاعرانه جلوه دهم. این اثر انگاره‌ای است از چهرهٔ ناتکرار رستم‌انه، عارفانه و عاشقانهٔ مسعود. او قهرمان مرکزی داستان، سیمای بدیعی و آرمانی است». پس از این شعر رمانی به نام «زرافشان» از ساریان چاپ گردیده که از صفحه ۱۲ تا ۸۴ یعنی درست نیمی از حجم این شماره از مجله به آن اختصاص یافته که دنبالهٔ آن در شمارهٔ بعدی به چاپ خواهد رسید. پس از آن رباعیاتی از عبدالحلیم صمدزاده به چاپ رسیده که با مضامین گوناگون عاشقانه، پند و اندرز و حکمت سروده شده است.

از دیگر مطالب این شماره از مجله که در بخش «رهاورد» به چاپ رسیده «کشور مینونظر» از فرزانه است که به مناسبت گشایش آرامگاه «بیدل» به هندوستان سفر نموده و این مقاله رهاورد همان سفر است، که در آن به شعرای پارسی گوی شبه قاره و جایگاه آنان در هندوستان و نیز روابط متقابل میان تاجیکستان و هندوستان اشاره شده است. شعرایی چون: امیر خسرو دهلوی، بیدل دهلوی، فانی کشمیری، فیض دکنی و...

در بخش «پژوهش» این شماره از مجله مقاله‌ای از محترم حاتم به نام «سرنوشت واژه‌ها» و «هر که را جامه ز عشق چاک شد» از سلیم ختلانی به چاپ رسیده است. در پایان نیز در بخش «طرفه‌ها» چند مطلب کوچک از کتاب «سیاست و اقتصاد عصر صفوی» استاد باستانی پاریزی به چاپ رسیده است.

۴۶

● صدای شرق

● شماره ۴، ۲۰۰۷ / ۱۴۴ صفحه

۲۹۹

شماره چهارم مجله صدای شرق با منظومه‌ای به نام «بازتاب آفتاب» سروده مهمان بختی شاعر نامدار تاجیک و رئیس اتحادیه نویسندگان تاجیکستان آغاز شده است. این شعر در گرامیداشت هشتادمین زادروز مولانا جلال الدین بلخی است و با این ابیات شروع می‌شود:

دانا—نده ترین دانسا!	«یا حضرت مولانا
بی—بنده ترین بی‌نا	در سنگ چسو در مینا
ای محور مهر دل!	در هفت سپهر دل
دلدا—ده تـرین عاشقا!	مقـدم عاشق

...

نوشته‌های مجله با آخرین بخش رمان «زرافشان» ادامه یافته و پس از آن شعرهایی از «ادبیه» به چاپ رسیده است. در بخش «یاد کده» (یادمان) این شماره از مجله مطلبی از لطفی سعید، نویسنده و روزنامه نگار در گذشته تاجیک به چاپ رسیده که به مناسبت نودمین زادروز او برای نخستین بار چاپ می‌شود. این نوشته از آرشو خود لطفی سعید به دست آمده و پیرامون زندگی خود اوست. در بخش «ادبیات همزبانان» مقاله‌ای با نام «پویه پایای پارسی» از میر جلال الدین کزازی به چاپ رسیده که توسط ی. یوسفی به القبای سیریلیک برگردانده شده است. در قسمت «پژوهش» دو مقاله به نام‌های «معلومات سرچشمه‌ها [منابع] درباره بیدل» از بابا بیک رحیمی

«جایگاه سخن در فراختای اندیشه شاعر» از سلیمان انوری به چاپ رسیده است. در قسمت «تنقید و ادبیات‌شناسی» هم دو مقاله به نام‌های «سلسله اندیشه» از اسدالله سعدالله‌یف و «زمانی از قافله ماندیم» از میرزا نصرالدین به چاپ رسیده است.

«محاكمه [بررسی] نشریه صدای شرق در سال ۲۰۰۶» از دیگر مطالب این شماره از مجله است. در این جلسه تعدادی از نویسندگان و شعرای تاجیک شرکت داشته‌اند که نقطه نظرهای خود را پیرامون مجله و پاره‌ای اشکالات موجود بیان نموده‌اند. در زیر نقطه نظرهای تنی چند از آنان را می‌خوانیم:

«عسگر حکیم (شاعر): ما در بسیار مواردها* از گفتن کمبود یکدیگر می‌ترسیم. امروز تمام شاعران ما در وزن خطا می‌کنند. بحث ما اطراف ادبیات در سطح پائین است. این همه را سبب آن است که ما نمی‌آموزیم ادیب باید هر روز ۸ - ۱۰ ساعت سر میز کار بنشیند، و گرنه درباره ادبیات حرف زدنش ممکن نیست. سبب چاپ شدن شعرهایی از نگاه مضمون پست و از نگاه وزن و قافیه ویران در همین است»

«گل نظر (شاعر): هنگام انتخاب شعر به نظر باید گرفت که شاعر چیز گفتنی دارد یا نه. ما در شعر برادران ایرانی غلط را نمی‌بینیم، زیرا آن‌ها محنت می‌کنند. «صدای شرق» عتنة محاکمه شعر و داستان را زنده کند. ادبیات شناسان را دستگیری [یاری] کردن لازم. مجله با مؤلفان، نوشتن مقاله‌ها را فرمایش دهد.»

«میرزا ملاحمد (پروفیسور): تقریظ و کتابیات غریب به چشم نمی‌خورد، دایر به [درباره] ادبیات معاصر مقاله‌ها چاپ نمی‌شوند، کتاب‌های زیبا چاپ می‌شوند، اما در آن‌ها از چه خصوصی گپ می‌رود کسی نمی‌داند. مجله باید عاید به پهلوهای [جنبه‌های] مختلف ادبیات مباحثه و مصاحبه دایر کند.»

به دنبال این اظهار نظرها، خلاصه مقالات نشر (شامل رمان، داستان، داستان کوتاه، حکایت و سرگذشت چاپ شده در شماره‌های مختلف چاپ شده در سال ۲۰۰۶ ارائه شده و بعد هم مقاله‌ای با نام «خروار روانبخش» از اسدالله سعدالله‌یف که درباره مجله صدای شرق است به چاپ رسیده است. پایان بخش مطالب این شماره، بخش «طرفه‌ها» است که در آن مطالب کوتاه خواندنی از کتاب «اژدهای هفت سر» مورخ نامی کشورمان استاد ابراهیم باستانی پاریزی درج شده که توسط زامینی به سیریلیک برگردانده شده است. تصاویری از عبدالرحمان عبدالمنان،

* - در اصل متن موارد که خود جمع مورد است با «ها» که یکی از علائم جمع در زبان فارسی است جمع بسته شده و ما هیچ تغییری در متن نداده و عیناً آن‌ها را نقل نموده‌ایم.

عضو هیئت تحریریه مجله صدای شرق و نیز لطفی سعید در صفحه‌های داخلی جلد مجله به چاپ رسیده است.

۴۷

● افشین حیدر استروشنی - بزرگترین سرلشگر خلافت عرب

احرار مختار او [مختاروف]

دوشنبه ۲۰۰۶ ۱۵۶ صفحه

تیراژ: ۳۰۰

احرار مختاروف یکی از پژوهشگران شناخته شده حوزه تاریخ، در تاجیکستان است که در ایران نیز نامی آشناست. تاکنون چندین کتاب از وی در ایران به چاپ رسیده که «تاریخ نافع» از «محمدعلی ابن محمد سید بلجوانی»، به کوشش وی، منتشر شده در زمستان ۱۳۸۴ آخرین آنهاست.

چاپ اول کتاب «افشین حیدر...» با الفبای سیریلیک، دوستان و همکاران او را ترغیب می‌نماید تا چاپ کتاب با «الفبای نیاکان» را از وی بخواهند و مختاروف نیز به مناسبت برگزاری «سال تمدن آریایی» در سال ۲۰۰۶، این خواسته آنان را اجابت می‌نماید و حاصل خواهش دوستان همین کتاب است.

به طور کلی روح حاکم بر اندیشه نویسنده کتاب، برخاسته از دیدگاهی ناسیونالیستی است و نویسنده بدون در نظر گرفتن پاره‌ای از داده‌های تاریخی، سعی کرده تا افشین و رویدادهای زمان او به ویژه نبردش با بابک خرم‌دین را خارج از محدوده ایران و در چارچوب خراسان و ماوراءالنهر بررسی نماید و افشین را یک استروشنه‌ای معرفی نموده و نه ایرانی‌ا که البته پرداختن به این موضوع و تجزیه و تحلیل آن براساس منابع و مآخذ در چارچوب این نوشتار نمی‌گنجد و نیاز به بحثی مستقل دارد. اما مختاروف در این باره چنان شتابزده حرکت نموده که در عمل اینگونه استنباط می‌شود دستگیری و قتل وحشیانه بابک توسط خلیفه معتصم که با نیرنگ و دورویی افشین انجام گرفت درست و موجه بوده است و نقش دو گانه افشین در این رویداد کاملاً مثبت ارزیابی شده است.

یکی از عمده‌ترین منابع مورد استفاده مختاروف، «همایون نامه» زجاجی است که در سال ۱۳۸۳ توسط آقای پیرنیا تصحیح و در سلسله انتشارات فرهنگستان منتشر شده است. یعنی دقیقاً نیمی از کتاب مختاروف همان بخش «رفتن افشین به حرب بابک خرم دین» است که عیناً از «همایون نامه» نقل شده است.

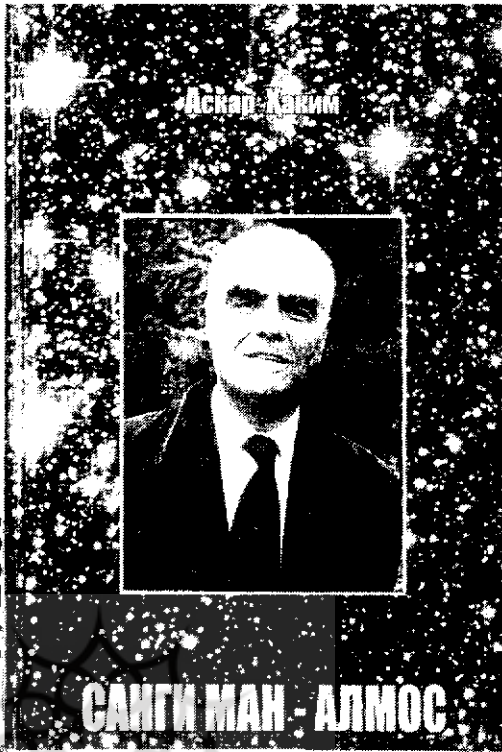
САДОИ ШАРК

НАШРИЯИ МИЛЛИИ АДАБИИ
ИТТИФОҚИ НАВИСАНДАГОНИ
ТОҶИКИСТОН

*Зи хӯи ёр мевард наслии боду наврӯи,
Аз ин бод ар мадад хони, хароси қил барқарӯи.
Хароси Шерози*

шаҳри Душанбе

3 | 2007



۲۰۲

روش از سکوت



دارا نجات

ИНСТИТУТИ ШАРҚШИНОСИ ВА МЕРОСИ ХАТТИИ
АКАДЕМИЯИ УЛУМИ ҶУМҲУРИ ТОҶИКИСТОН
НАЖУҲИШОҶИ ФАРҲАНГИ ФОРСИ-ТОҶИКӢ

Ҳақмазар Назаров

НАҚШИ
ЭРОНИЁН - ТОҶИКОН
ДАР ТАЪРИХ ВА
ФАРҲАНГИ ҶАҲОН

Душанбе 2005

کتاب از سهوهای قلمی، اشتباهات تاریخی و ارزیابی‌های کاملاً شتابزده که ناشی از برداشت‌های سلیقه‌ای و نادرست می‌باشد - که به هیچ روی با داده‌های تاریخی نمی‌خواند - خالی نیست که پرداختن به آن و نقد و بررسی یکایک آن‌ها در این جا کار سودمندی نیست. چرا که آشکار است خوانندگان را به این کتاب به راحتی دسترسی نیست.

و اما غلط‌های چاپی، به استثنای همان ۷۸ صفحه کتاب که نقل قول مستقیم از «همایون نامه» است، بدون اغراق در هر صفحه کتاب دست کم ۱۰ تا ۲۰ غلط چاپی وجود دارد که قطعاً علت وجود این همه غلط به عدم آشنایی درست تاجیکان باید «الفبای نیاکان» باز می‌گردد و این به طور مستقیم با تغییر خط در آنجا مرتبط است و عدم آموزش درست و کافی «الفبای نیاکان» در کنار الفبای سیریلیک در مراکز آموزشی آن کشور، تا آقای «حمزه کمال» که کاندیدای دکترای تاریخ نیز هست و برگرداننده این کتاب از الفبای سیریلیک به الفبای نیاکان می‌باشد مأمون را «معمون»، اساس را «عساس»، اصطلاح را «استلاه»، محافظت را «محافظت»، مستحکم را «مستهکم»، بیهقی را «بیحقی»، مسعودی را «مصعودی»، عهد را «اهد»، قتل را «قتل»، حالا را «هالا» و طرز را «ترز» و... ننویسد.

در اینجا به عنوان نمونه چند سطر از صفحه ۱۳ کتاب را عیناً چاپ می‌کنیم تا خوانندگان یکی از نتایج نامطلوب دگرگونی الفبای تاجیکان از عربی به سیریلیک را از نزدیک شاهد باشند. بیحقی در این باره مفصل آورده است: «اسمائیل بن شحاب گوید: از احمد بن عبد دوواد شنیدیم. این احمد مردی بود که با قاضی - القضاة که داشت از وزیران روزگار موهشمتر بود و سه خلیفتر خیزمت کرد. احمد گفته است که یک شب خابم نبرد. از خاب بیدار شده به وسوسه افتادم و فوراً سواری کرده به نزد خلیفه آمدم. به سبب بیوقتی شب حاجیب (سرور پاسبانها) مرا به نزد خلیفه نمآند. التیماس کردم. وقتا که با خلیفه مؤتسیم رو به رو آمدم او هم نخفته بود و از من سوال کرد که برای چه دیر کرده‌ام. بعد از سوحبت کوتاه موعتسیم گفت:

این در حالی است که بیشتر منابع و مأخذ مورد استفاده نویسنده، از جمله همین بخش از تاریخ بیهقی که بدان اشاره شده به فارسی بوده. اما معلوم نیست که چرا به طور مستقیم از آن‌ها استفاده نشده و ابتدا به سیریلیک نوشته شده و پس از آن نیز دوباره به فارسی برگردانده شده، البته بدون مقابله با متن اصلی که در دسترس هم بوده است.

● علی محمدی خراسانی - جوړه بیک نذری

● بی. جا/ بی تا ۲۳۶ صفحه

کتاب حاضر تألیف دو تن از ادیبان تاجیک است که یکی از آنها (جوړه بیک نذری) ریاست انستیتوی شرق شناسی و میراث خطی آکادمی علوم تاجیکستان را بر عهده دارد و دیگری (علی محمد خراسانی) یکی از پژوهشگران این انستیتو است که شعر هم می‌گوید.

به غیر از بخش‌های «مقدمه»، «دریاره مؤلفان»، «پیشگفتار»، «خاتمه»، «ضمیمه» و «فهرست منابع و مآخذ» کتاب در سه فصل: «اول: نامه و نامه‌نگاری در شاهنامه»، «دوم: محتوای نامه‌های شاهنامه» و «سوم: نظری به نامه‌های شاهنامه از روی موضوع» - که هر یک از این فصول سه گانه خود نیز به چند بخش تقسیم شده - تدوین گشته است. موضوع کتاب در نوع خود جالب است، اما مطالب آن می‌توانست پربارتر و دقیق‌تر باشد.

با در نظر گرفتن اینکه کتاب با القبای نیاکان به چاپ رسیده، غلط‌های بسیاری بدان راه یافته و عدم یکنواختی در ضبط اعلام و ضبط‌های نامأنوس اسامی - دست کم برای ما ایرانیان - و برخی نام‌های ناآشنا در آن دیده می‌شود. به عنوان نمونه به موارد زیر از ضبط نام‌ها می‌توان اشاره نمود: «هشنگ نامه» (= هوشنگ نامه) / «استامبل» (= استامبول) / «پاپاکان» (= پاپکان) / «منظر» (= منذر) / «هولای» (؟) / «همالان» (= حمالان) / «جیهون» (= جیحون). البته ذکر این نکته ضروری است که پاره‌ای از این ضبط‌ها چون: منذر، جیحون، حمالان و... به صورتی که نشان داده شده به دلیل عدم آشنایی کامل تاجیکان با املاهای فارسی کلمات که ناشی از تغییر خط است به وجود آمده، برخی از ناهمگونی‌ها در ضبط اسامی نیز چنین است: «گژدهم، گژدهم» / «گردویه، گردیه» / «کشواد، گشواد» / «خوریش، خورش» / «بنوشت، بنوشیت» / «هاموران، هاماوران». غلط‌های چاپی کتاب نیز کم نیست.

۳۰۴

۴۹

● نامه پژوهشگاه، شماره ۲

● پائیز ۱۳۸۱ / ۲۰۰۲ م.

نامه پژوهشگاه «فصلنامه پژوهشهای ایران‌شناسی» نشریه‌ای است که پژوهشگاه فرهنگ فارسی - تاجیکی آن را منتشر می‌کند. سردبیر مجله جناب آقای ناصر سرمدی پارسا، سفیر جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان است. در این شماره مقالاتی پیرامون زبان‌شناسی، ادبیات و فولکلور و چند شعر و یک گفتگو به چاپ رسیده است.

برخی از مطالب و نویسندگان آن در این شماره از مجله چنین است:

«برخی از واژه‌های کهن در گویش‌های تاجیکی» داد خدا سیم الدین اف/ «نظری به تحول زبان‌های ایرانی منطقه هندوکش شرقی» عزیز یرابایف/ «گویش ایرانیان بخارا» منصور محموداف. «زبان پاکیزه نگه دار» سیف الدین نظرزاده/ چند شعر از دو شاعر برجسته تاجیک مؤمن قناعت و گلرخسار صفی/ یک گفتگو با پرفسور الریش مرزولف از روشن رحمانی تحت عنوان «شیفته فرهنگ ایرانی شدم» و دو مقاله از روشن رحمانی و دلشاد رحیم اف در زمینه فولکلور مردم تاجیک. یکی از شعرهای چاپ شده گلرخسار در این شماره «شعری مولانا» نام دارد که به مناسبت سال جهانی مولانا در ۲۰۰۶ م. بی‌مناسبت نیست که به ابیاتی از آن اشاره نمائیم:

«شعری مولانا»

در نی کده موزون است، رقص نی مولانا	در می‌کده محزون است، سور می مولانا
پیغام صفا دارد، پیمان سخا دارد	از ملت خورشید است، پیر طی مولانا
سوزی ز وجود سرد، سرخی ز کبود درد	شهدی ز قیام زهر دارد می مولانا!

.....

.....

صد شعله زبان دارد، برق شریان دارد	سحر نی مولانا، چشم پی مولانا
بسرق هوس آتش، فریاد رس آتش	دارد نفس آتش شعری مولانا

مقاله‌های فصلنامه به زبان فارسی است که با هر دو الفبای «سیریلیک» و عربی چاپ شده است.

۵۰

• نامه پژوهشگاه، شماره ۶

• سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۳/۲۰۰۴

ششمین شماره «نامه پژوهشگاه» نیز همانند شماره‌های گذشته در بر دارنده مقاله‌هایی پیرامون زبان‌شناسی، ادبیات، تاریخ و فرهنگ مردمی و گفتگویی با خانم «یوایر میش» استاد دانشگاه بوداپست مجارستان - که توسط پروفیسور روشن رحمانی انجام گرفته - می‌باشد.

در این شماره نیز همانند شماره دوم بیشترین تعداد مقالات با ۷ عنوان اختصاص به پژوهش‌های زبان شناختی دارد. مقاله‌هایی چون: «چند گونه آوایی در پارسی دری و گویش‌های تاجیکی» داد خدا سیم الدین اف/ «کلمه‌های کهن یغناپی در نام‌های جغرافیایی» آلبرت لئونیدویچ خرمف/ «نخستین نوشته‌های ادبی ایرانی میانه شرقی» زهره زرشناس/ «بررسی چند واژه ایرانی» عبدالرحیم بهروزیان و...

در زمینه ادبیات هم مقاله‌ای به نام «الکساندر بلوک و ادبیات فارس و تاجیک» از عبدالولی دوران اف در این شماره از فصلنامه به چاپ رسیده است. چهار مقاله نیز در زمینه «تاریخ و فرهنگ مردمی» در این شماره وجود دارد که مقاله «جریان تغییر الفبا در تاجیکستان» از سیف الدین نظرزاده که بخش نخست آن در این شماره به چاپ رسیده، تغییر خط از فارسی به لاتینی را در بر گرفته که می‌تواند برای پژوهشگران در این حوزه مفید باشد. مقالات این شماره هم به زبان فارسی و با هر دو الفبای «سیریلیک» و «الفبای نیاکان» (= عربی) به چاپ رسیده است.

۵۱

● مجله «فرهنگ»

● نشریه بنیاد فرهنگ تاجیکستان

● شماره ۱ ژانویه - فوریه ۲۰۰۵

این شماره از مجله فرهنگ با غزل معروف فخرالدین عراقی که عنوان «درد و درمان» بر آن نهاده‌اند آغاز می‌شود که مطلع آن چنین است:

«خوشا دردی که درمانش تو باشی خوشا راهی که پایانش تو باشی»

در صفحه دوم نیز که عنوان کلی «معرفت» بر آن گزاردند «متن اعلامیه حقوق بشر کوروش کبیر» به چاپ رسیده است و سپس ادامه «مقدمه ابن خلدون» از شماره پیشین به چاپ رسیده است. پس از آن مقاله‌ای با عنوان «عوامل و علل عمده تنزل ایران زمین» از زنده یاد پروفیسور حق نظر نظروف به چاپ رسیده است. این مقاله پاره‌ای از کتاب «نقش ایرانیان در تاریخ و فرهنگ جهان» زنده یاد حق نظروف است که یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران تاجیک و عضو پیوسته فرهنگستان علوم تاجیکستان بود که متأسفانه در سال ۲۰۰۶ م. چشم از جهان فرو بست.

احرار مختاروف، گل نسا رضوان شایوا، محمدرضا علیم شایوف، علی محمد خراسانی، رستم کامل اف، محمدعلی مظفری، میترا بیات (ایران)، قهرمان سلیمانی (ایران)، عشق‌ری (افغانستان) و رازق خانی (افغانستان) از دیگر کسانی هستند که در این شماره مقالاتی از آنان به چاپ رسیده است.

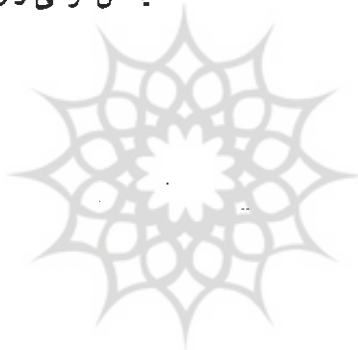
تصویر آرامگاه شاعر تاجیک استاد میرزا تورسون زاده و منارجنبان اصفهان زینت بخش صفحه‌های نخستین و آخرین این مجلد از مجله است. شعری از استاد عینی و مقاله قهرمان سلیمانی با الفبای نیاکان و بقیه مطالب با الفبای سیریلیک به چاپ رسیده است.

یادی از پروفیسور احرار مختاروف

باخبر شدیم که در (شهریور) سپتامبر ۲۰۰۷، پروفیسور احرار مختاروف تاریخدان برجسته، پژوهشگر، عضو پیوسته فرهنگستان علوم تاجیکستان و نویسنده بیش از ۴۰ کتاب و نزدیک به ۲۰۰ مقاله چشم از جهان فرو بست. پروفیسور مختاروف در سال ۱۹۲۴ م در شهر اوراتپه استان خجند چشم به جهان گشود و پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۹۵۱ م رشته تاریخ فرهنگستان علوم جمهوری تاجیکستان شد.

مختاروف در دوران زندگی علمی خویش در بسیاری محافل و مجامع بین المللی خاورشناسان حضور یافته و به ایراد سخنرانی پرداخته بود. از احرار مختاروف چند کتاب در ایران به چاپ رسیده است. درگذشت پروفیسور احرار مختاروف را به خانواده آن عزیز درگذشته و دوستان و همکاران علمی اش صمیمانه تسلیت می گوئیم.

یادش گرامی و روانش شاد باد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نشر میترا منتشر کرده است:

- فرهنگ تلمیحات / دکتر سیروس شمیسا / ۷۳۶ ص / ۱۰۵۰۰۰ ریال
 - فرهنگ اشارات / (۲ جلد) / دکتر سیروس شمیسا / ۲۵۰۰۰ تومان
 - فرهنگ تلمیحات شعر معاصر / دکتر محمدحسین محمدی / ۲۸۰ تومان
 - معانی (ویرایش دوم) / دکتر سیروس شمیسا / ۲۴۲ ص / ۳۲۰۰۰ ریال
- نشر میترا - خیابان مجاهدین اسلام - شماره ۲۶۲

تلفن: ۳۳۱۳۳۵۰۵